

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی

احکام صادره

کلاس پرونده: ۱۰۱۷/۲۷

حکم شماره: ۳۳۹ و ۳۴۰-۲۲/۸/۸۴

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رییس، احمد مهرعلی و رسول فرهودی
اعضای دادگاه

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقایان وکلای دادگستری نسبت به رأی شماره
۱۴۹۵۹ مورخ ۸۳/۹/۱۵ مبنی بر محکومیت وکلای نامبرده به محرومیت دائم از شغل
وکالت.

خلاصه جریان پرونده: خانم ... همسر متهم زندانی در مورخه ۸۱/۱۱/۱۵ به کانون
وکلای دادگستری مرکز اعلام داشته است که در خصوص پرونده‌های اتهامی شوهرم به
آقایان وکالت دادم تا در پرونده‌های کلاس ۱۵۶-۱۶۶-۱۶۷ مطروحه در شعبه ۴۵
دادگاه کرج و پرونده کلاس ۱۸-۲۴-۱۰۸۴ دادگاه کارکنان دولت از شوهرم دفاع نمایند و
علیرغم اینکه قول دادند که رأی پرونده‌ها را بنحو احسن و به نفع متهم تمام کنند
متأسفانه هیچ دفاع خاصی نکرده‌اند و در پرونده کلاس ۱۸-۲۴-۱۰۸۴ اصلاً دخالتی
نکردند و در بقیه پرونده‌ها دلسوزانه عمل نکرده و اطلاعات و گفته دروغین به ما داده‌اند
و طی مراحل طبق رسید مبلغ ۱۲,۹۰۰,۰۰۰ تومان از من دریافت و اقدام مثبتی در
پرونده‌ها نمودند و حتی حق الزحمه باطل کردن تبر را شخصاً پرداخت کرده‌ام و حالا
که تقاضای پولم را می‌کنم می‌گویند هر کاری از دست ساخته است انجام بده و فوق آن

این است که دو سه ماه دفترمان را ببندند لذا تقاضا دارم به موضوع رسیدگی و نسبت به استرداد پولم اقدام نمایند. متعاقباً آقای..... متهم زندانی و شوهر شاکیه در مقام تأیید شکواییه همسرش اعلام نموده که وکلای نامبرده از طریق فریب‌کاری و تهدید همسرش مبالغی وجه از او دریافت نموده‌اند که از اتهامات وارده نسبت به من دفاع نمایند ولی متأسفانه هیچ‌گونه اقدامی در این خصوص معمول نداشته‌اند.

پس از ابلاغ شکواییه شکات قضیه به وکلای مشتکی عنهما نامبردگان طی لویح تسلیمی خود به کانون چنین دفاع کرده‌ان که برابر قرارداد منعقدہ مبالغی به عنوان حق الوکاله دریافت داشته‌اند و حسب الوظیفه و بنابه موازین شرعی و قانونی دفاع لازم را بعمل آورده و نهایت سعی و تلاش خود را در این خصوص نموده‌اند ولی مشخص است که صدور رأی محکومیت متهم و یا هرگونه تصمیم قضایی دیگر با دادگاه صادرکننده حکم است و وکیل حق دخالت ندارد و در مواردی نیز خانم..... از ورود ما به پرونده جلوگیری بعمل آورده است و ما هیچ‌گونه شرطی درباره اخذ رأی براءت برای شوهر ایشان نکرده‌ایم و شکایت وی را نیز تکذیب می‌نماییم.

با ارجاع مورد رسیدگی به یکی از دادیاران دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز دادیار مذکور پس از بررسی‌های انجام شده در تاریخ ۸۲/۵/۲۸ به ریاست دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز چنین گزارش نموده است:

«درخصوص شکایت انتظامی مطروحه بطرفیت آقایان..... وکلای پایه یکم دادگستری (که دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی انتظامی مبنی بر سه ماه ممنوعیت بوده و در سال ۱۳۸۰ اجرا گردیده است. پرونده کلاسه ۳۴/۷۸ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز و همچنین یکفقره پرونده جاری بکلاسه ۴۷۳/۷۹ دادرسی انتظامی که منجر به صدور کیفرخواست مبنی بر تخلف از سوگند (با لحاظ سابقه قطعی محکومیت تخلف انتسابی مشابه در مدت مقرر قانونی) که تحت کلاسه شعبه چهارم دادگاه انتظامی به شماره ۱۹۳/۸۱ علی‌الظاهر در حال رسیدگی می‌باشد با عنایت به مفاد شکایت و تصویر قرارداد وکالت تنظیمی و میزان حق الوکاله و نوع محکومیت مندرج در دادنامه ابرازی از سوی همسر شاکی و عنایت سوابق وکلای مشتکی عنهما و گزارش کارآموز وکالت مبنی بر عدم دخالت نامبردگان در شعبه ۲۴

عمومی سابق کرج (برغم اینکه جزء موضوع وکالت و قرارداد حق الوکاله ابرازی می‌باشد) و عدم حضور جهت ادای توضیحات که قرینه بر صدق شکایت شاکی می‌تواند باشد بنابراین مراتب معروضه عقیده به تخلف از سوگند آقایان وکلای مشتکی عنهما را داشته اظهار نظر به تعقیب انتظامی نامبردگان می‌گردد.»

پس از موافقت آقای معاون دادسرای انتظامی کانون وکلای مرکز با نظریه آقای دادیار انتظامی نامبرده نتیجتاً کیفرخواست انتظامی مورخه ۸۲/۶/۴ درباره وکلای موصوف به این شرح صادر شده: «چون آقایان..... وکلای دادگستری دارای سابقه انتظامی مشابه مرتکب تخلف از سوگند منطبق بر بند ۳ ماده ۸۲ آیین‌نامه استقلال ناظر به بند ۵ ماده ۷۶ آیین‌نامه قانونی استقلال کانون وکلا با لحاظ ماده ۸۴ آیین‌نامه مرقوم شده است لذا باستناد مواد فوق تقاضای رسیدگی و صدور حکم مجازات مشارالیه را دارد.»

با طرح کیفرخواست صادره در شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز شعبه مذکور در وقت فوق‌العاده مورخه ۸۲/۸/۱۹ تشکیل جلسه داده و به شرح زیر انشاء رأی نموده است:

«در خصوص شکایت شکات بطرفیت آقایان..... شاکیان اظهار داشته‌اند مشتکی عنهما جمعاً دوازده میلیون و نهصد هراز تومان از آنها گرفته‌اند تا ارا اتهام آقای..... در پرونده‌های ۱۶۵/۴۵/۸۰ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و پرونده ۱۴۰۹ دادگاه ویژه کارکنان دولت و پرونده ۱۰۸۴/۲۴/۸۱ شعبه ۲۴ دادگاه عمومی کرج دفاع نمایند. در فتوکپی قرارداد حق الوکاله که ضمیمه پرونده است تصریح شده آقایان وکلا موظف و مکلف گردیدند به نحو مطلوب بوظایف قانونی خویش قیام و از اتهام موکل دفاع بعمل آورند بنحوی که عنداللزوم و با توجه به اتهام واهی و بی‌اساس که از سوی شکات نسبت به وی وارد گردیده از این اتهام خلاصی جدید اضافه شده وکلا در انجام افعال محوله مساعی خویش را به منتهی درجه بکار خواهند گرفت و در قبال دفاع از پرونده‌های یاد شده موکل و بنمایندگی ایشان همسرش خانم..... مکلف به پرداخت مبلغ ۲۵ میلیون تومان در مرحله تجدیدنظر حق الوکاله می‌باشد و از مبلغ یاد شده سه میلیون و نهصد هزار تومان جهت حق الوکاله پرونده‌های ۱۶۷ و ۱۶۶ و ۱۶۵ پرداخت گردیده و مرحله بدوی آن خاتمه یافته و در خصوص پرونده‌های ۱۴۰۹ و پرونده‌های فوق‌الذکر مبلغ ۶ میلیون

تومان پرداخت شده است و باقیمانده آن که ۱۲ میلیون و یکصد هزار تومان به صورت چک خواهد بود ولی وکلا اقدام به وصول آن نخواهند کرد.»

آقایان مشتکی عنهم در پاسخ به لایحه مطروحه طی لایحه وارده به شماره ۲۱۵۱ - ۸۳/۲/۱۰ اظهار داشته‌اند اینجانبان از اتهام علیه شوهر خانم..... دفاع کرده‌ایم و در صفحه ۲ لایحه مذکور می‌گویند: «ایشان شخصاً از ورود ما به پرونده جلوگیری کرد.»

مشتکی عنهم با وجود ارسال اخطاریه دادرسی جهت اخذ توضیح نیز حاضر نیافته‌اند و هیچ‌گونه مستندی دال بر اقدامات خود در پرونده کلاسه ۱۸-۲۴-۱۰۸۴ دادگاه عمومی کرج و پرونده کلاسه ۱۴۰۹ دادگاه ویژه کارکنان دولت نه در مرحله بدوی و نه در مرحله تجدیدنظر ارایه نداده‌اند و این در حالی است که در قرارداد حق‌الوکاله تصریح شده وکلا مکلفند از اتهام موکل دفاع نمایند به نحوی که با توجه به اتهام واهی و بی‌اساس که از سوی شکات نسبت به وی ارایه گردیده از این اتهام خلاصی جدید که انشاء این عبارت خاصه با توجه به حجم جرایم معنونه علیه موکله..... از یکطرف و عدم اقدام بوظیفه وکالتی و تجدیدنظرخواهی از طرف دیگر می‌تواند مصداق بارز تحصیل وکالت به وسیله فریبنده باشد علیهذا با لحاظ مجموع مستندات پرونده و با توجه به سابقه محکومیت انتظامی قطعی مشارالیها دادگاه تخلفات ارتكابی را با بند ۳ ماده ۸۰ و بند ۳ ماده ۸۱ و ماده ۸۴ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون دانسته و هر دو نفر مشتکی عنهما را که بنابر صراحت و امضاء ذیل لایحه تقدیمی به دادرسی و قرارداد وکالت متفقاً وکیل شکات بوده‌اند به محرومیت دائم از شغل وکالت موضوع بند ۶ ماده ۷۶ آیین‌نامه مارالذکر محکوم می‌نماید.»

با تجدیدنظرخواهی وکلای مشتکی عنهما از رأی صادره پرونده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال و دادگاه مذکور در تاریخ ۸۳/۵/۲۱ پرونده را به کانون وکلای مرکز عودت و چنین اتخاذ تصمیم می‌نماید: «نظر به اینکه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۶-۷۳/۲/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مجازات‌های موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۷۶ آیین‌نامه مذکور ابطال و ملغی‌الاثرا گردیده و مقرر شده که در موارد یاد شده آیین‌نامه جدیدی تنظیم و به تصویب برسد و به لحاظ اینکه تاکنون این آیین‌نامه جدید متضمن مجازات تخلف اعلامی وضع و به تصویب نرسیده است بنابراین ضمن

فسخ دادنامه‌های شماره ۲۱۶۲۰ - ۸۲/۹/۲۵ و ۱۸۸۷۴ - ۸۲/۸/۲۶ مورد اعتراض آقایان..... در پرونده جهت اقدام مقتضی به کانون مربوطه اعاده می‌شود.»

پس از اعاده پرونده به کانون وکلای دادگستری مرکز شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلا با صدور رأی شماره ۱۴۵۹۵ - ۸۳/۹/۱۵ آقایان..... را با اصلاح ماده استنادی بند ۶ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ به محرومیت دایم از شغل وکالت محکوم می‌نماید. که با ابلاغ رأی مذکور به نامبردگانه مشارالیهما طی لایحه اعتراضیه‌ای که به شماره ۴۸۲۳ - ۸۳/۱۱/۲۱ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده به مفاد رأی مورد بحث اعتراض نموده و به استناد رضایت‌نامه‌های مأخوذه از خانم..... شکیه انتظامی که اصل و فتوکپی آنها را ضمیمه لایحه اعتراضیه خود نموده است اعلام داشته‌اند که اعلام رضایت شکیه انتظامی مبین عدم اغراض و سوءنیت آنان در موضوع مطروحه بوده و مسأله قابل ذکر در صدور رأی معترض عنه این است که علی‌رغم فسخ رأی صادره قبلی از ناحیه دادگاه عالی انتظامی قضات دادگاه بدون ابلاغ وقت رسیدگی وارد رسیدگی به تخلفات اعلامی گردیده و مجازات اشد قلبی را تأیید نموده‌اند در حالی که اگر به رضایت‌نامه‌های شکیه انتظامی توجه داشتند می‌توانستند موضوع ممنوعیت وکالتدایم را به چهار ماه ممنوعیت موقت تقلیل دهند.

لایحه اعتراضیه وکلای محکوم علیه جهت پاسخگویی به کانون وکلای دادگستری مرکز ارسال شد و ریاست کانون درخصوص مورد طی لایحه شماره ۱۸۵/۸۲۸۹/ج - ۸۳/۱۲/۲۳ ضمن شرح تخلفات وکلای نامبرده اعلام داشت: «با توجه به محتویات پرونده و نحوه مدافعات آقایان..... و اینکه با تقاضای مهلت برای اخذ رضایت شکات به طور ضمنی تخلفات ارتكابی را قبول نموده‌اند در حالی که نتوانستند رضایت از موکلین سابق خود اخذ رضایت شکات به طور ضمنی تخلفات ارتكابی را قبول نموده‌اند در حالی که نتوانستند رضایت از موکلین سابق خود اخذ و به دادگاه ارایه دهند بنظر می‌رسد با توجه به سابقه محکومیت مشابه انتظامی نامبردگان رأی صادره منطبق با موازین و صحیحاً صادر گردیده است.»

دادگاه با بررسی مندرجات اوراق پرونده و گزارش تهیه شده ضمن انجام مشاوره و اعلام ختم رسیدگی به شرح زیر به صدور رأی مبادرت می‌نماید.

رای دادگاه

هرچند به حکم معترض عنه از حیث تشخیص تخلف انتسابی اشکالی وارد نیست و اعتراض متقاضیان تجدیدنظر هم به ترتیبی نیست که خدشه و خللی به حکم وارد نماید ولی با ملاحظه اعلام گذشت شکات انتظامی نظر به اینکه مجازات تعیین شده دایر بر محرومیت دایم تجدیدنظرخواهان از شغل وکالت شدید به نظر می‌رسد لذا با نقض حکم محکومیت آقایان..... وکلای مشتکی عنهما هر یک از نامبردگان را با رعایت ماده ۸۳ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا با یک درجه تخفیف به استناد بند ۵ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ به تنزل یک درجه محکوم می‌نماید. این رأی قطعی است.

کلاس پرونده: ۱۰۱۷/۱۰

حکم شماره: ۸۴/۸/۱۳-۳۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رییس، امیر هوشنگ گنجوی و احمد مهرعلی
اعضای دادگاه

موضوع پرونده: اعلام اعتراض آقای..... وکیل دادگستری نسبت به تصمیم شماره ۱۰۶۹ -
۸۳/۱۰/۱۳ مبنی بر تزلزل درجه.

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۸۲/۷/۱۳ خانم..... شکواییه‌ای تقدیم وکلای مرکز نموده و از آقای..... وکیل دادگستری شکایت نموده و اعلام داشته به آقای..... وکالت دادم تا پیگیر پرونده‌ام باشند و تا اتمام پرونده هزینه و دستمزد دریافت دارند. اما ایشان بعد از ۴ ماه مبلغ هفتصد هزار تومان طی دو فقره چک دریافت نمود بعد از ۲ سال از ایشان خواستم شماره پرونده‌ام را بدهد که بینم چه کاری انجام شده او شماره پرونده اشتباهی به من داد و هر بار به نوعی مرا از سر باز می‌کرد تا سال ۸۱ که وکالت‌نامه اختیار تام از من گرفت که تمام کارها را به پایان برساند وی باز برایم کاری انجام نداد و حدوداً ۲

ماه و نیم گذشته پرونده ام را حتی بدون یک برگ کار کرده و به من پس داد در حال حاضر نه می توانم پولم را پس بگیرم و نه کاری انجام شده تقاضای رسیدگی دارم. مراتب به آقای..... ابلاغ گردید و ایشان طی لایحه ای که به شماره ۵۱۷۶ - ۸۳/۳/۲۷ ثبت دفتر کانون گردیده اظهار نموده: «خانم..... با تصور اینکه مالکیتی در عرصه یک باب خانه جزء پلاک ثبتی ۲۷۹۵ شهرستان رشت دارند به اینجانب مراجعه فرمودند در بادی ابر بنظر می رسید که ادعای ایشان مقرون به واقع است لیکن بعد از عزیمت به شهرستان رشت و مراجعه به واحد ثبتی مربوطه و با تلاش پیگیر متوجه شدم که خانم مذکور وراثتاً فقط سه دانگ مشاع اعیانی پلاک مذکور را دارا می باشند و در عرصه مالکیتی ندارند و در سال ها قبل نیز به وسیله یکی از وکلا شهرستان رشت مبادرت به طرح دعوی نموده و در این رابطه دادنامه نیز صادر شده موارد به ایشان تذکر داده شد متوجه نیستند و در این رابطه آقای دکتر مظاهری واسطه ایشان نیز مبلغ هفتصد هزار تومان پرداخت نموده بودند که به لحاظ عدم امکان پیشرفت به موجب چک بانک تجارت به ایشان عودت داده شده است.

دادسرای انتظامی کانون پس از بررسی به موجب کیفرخواست شماره ۴۲۰/۸۲ - ۸۲/۴/۱۰ مبنی بر تخلف از سوگند خواستار صدور حکم مجازات انتظامی مشارالیه را گردیده است. در تاریخ ۱۳/۱۰/۸۳ دادگاه انتظامی کانون تشکیل و پس از رسیدگی های لازم نهایتاً نامبرده را به مجازات انتظامی درجه ۴ (تنزل درجه) محکوم می نماید. مراتب به آقای..... ابلاغ و ایشان طبق لایحه ای که به شماره ۴۷۵۱ - ۸۳/۱۱/۷ ثبت دفتر این دادگاه گردیده به عنوان دفاع مطالب قبلی را تکرار و تقاضای رسیدگی و عنایت کرده است. کانون وکلای دادگستری مرکز در پاسخ به اعتراض آقای..... وکیل دادگستری طی نامه شماره ۶۰۰۶۱/۲۷۷۸۳/۶۰ - ۸۴/۳/۱۰ که به شماره ۷۳۹ - ۸۴/۳/۲۱ ثبت دفتر این دادگاه گردیده اعلام نموده..... وکیل مشتکی عنه در لایحه اعتراضیه هیچ گونه دلیل و مستند جدیدی که اساس دادنامه صادره را مخدوش نماید ارایه ننموده است و مطالب لایحه اعتراضیه تکرار همان مطالبی است که نامبرده در دادسرای انتظامی و دادگاه انتظامی بیان و اظهار داشته است بنابراین تقاضای رد لایحه اعتراضیه و تأیید دادنامه صادره که منطبق با قانون و حقایق پرونده صادر شده است مورد استدعا می باشد. ماده

۴۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مقرر داشته است: «وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌نمایند اعم از حقوقی و جزایی... قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند. وکلای دادگستری به موجب قسم‌نامه مقرر در ماده ۳۹ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا قسم یاد نموده و متعهد شده‌اند که: «همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری را تعقیب ننموده و... راستی و درستی را روبه خود قرار دهند الی آخر» با توجه به قانون وکالت و آیین‌نامه لایحه استقلال به شرح فوق به هیچ وجه قابل قبول و پذیرفته نیست که آقای..... پس از ۲۶ سال تجربه انجام کار وکالت از موکل خود که خانمی نیازمند به کمک بوده است. علی‌رغم اینکه شش سال قبل به او مراجعه نموده و حق الوکاله توافق شده را پرداخت نموده است و تعهد پرونده که نسبت به دفاع از حقوق وی و استیفای حقوق نامبرده اقدام نماید، پس از شش سال و تا زمان شکایت خانم شاکی..... هیچ‌گونه اقدام قانونی در جهت افراز ملک موکل و یا مطالبه اجرت‌المثل ملک موروثی موکل به مراجعه قضایی تسلیم ننماید. با توجه به اوصاف فوق تخلف انتظامی و قصور وکیل مشتکی عنه در عدم تعقیب پرونده موکل محرز و مسلم می‌باشد. مدافعات آقای..... مبنی بر اینکه موکل ایشان از وضعیت ملک مورد دعوی مطلع نبوده است و حتی موکل اطلاع نداشته که وی مالک عرصه نیست و بلکه مالک اعیان است وقتی علیهذا هیچ کدام پذیرفته و موجه نیست یقیناً اگر موکل از وضعیت ملک خود مطلع می‌بود و یا اگر موکل از چگونگی طرح دعوی و قوانین مربوطه در این خصوص اطلاع می‌داشت هرگز نیاز نبود که به آقای..... مراجعه کند و مبلغ هفت میلیون ریال حق الوکاله بپردازد. مدافعات آقای..... عذر بدتر از گناه است. برابر ماده ۴۵ قانون وکالت وظیفه و مسؤلیت وکالتی آقای..... ایجاب می‌نمود که اگر دعوی موکل پیشرفت نداشته و یا قابل طرح نبوده است بلافاصله موکل را از عدم پیشرفت دعوی مطلع می‌نمود نه اینکه پس از شش سال که از تفویض وکالت گذشته است و موکل منتظر استیفاء حقوق خود بوده مطلع می‌شود که وکیل هیچ‌گونه اقدامی در جهت احقاق حقوق نامبرده بعمل نیاورده است به ناچار موکل به دادسرای انتظامی وکلا پناه آورده و طرح شکایت نموده و آقای..... حق الوکاله‌ای را که شش سال قبل دریافت داشته پس از طرح دعوی انتظامی به موکل مسترد نموده است.

استرداد حق الوکاله از طرف آقای..... به موکل به هیچ وجه رافع مسؤولیت خطیر آقای..... در احقاق حق موکل نمی باشد و از بار قصور و کوتاهی وکالتی آقای..... چیزی کاسته نمی گردد. با عنایت به مطالب معروضه و با استناد به قانون وکالت و آیین نامه لایحه استقلال وکلا به شرح معروضه و با توجه به مدافعات غیرموجه و غیرمستند آقای..... دادنامه صادره از شعبه اول دادگاه انتظامی وکلا از هر جهت منطبق بر قانون و موازین عدالت و انصاف است و مشتکی عنه هیچ گونه دلیل و مستند جدیدی که دادنامه صادره را مخدوش نماید در این مرحله ارایه ننموده است استدعای تأیید و تنفیذ دادنامه صادره مورد تقاضا است.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر و ملاحظه محتویات پرونده مشاوره نموده و به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید.

رای دادگاه

اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای..... نسبت به دادنامه شماره ۱۶۰۶۹-۱۳/۱۰/۸۳ شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز با توجه به رسیدگی های انجام شده و دلایل و مستندات پرونده وارد نیست و مشارالیه در این مرحله از رسیدگی نیز ایراد و اعتراض مؤثری که قابل ترتیب اثر باشد بعمل نیاورده و لذا ضمن رد اعتراضات معنونه رأی تجدیدنظر خواسته ابرام می شود.